

پیشران‌های فرار مالیاتی از منظر فرهنگی و اجتماعی

حسن جمالی^۱اکبر اعتباریان^۲سعید شریفی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۳۰

چکیده

فرار مالیاتی یک پدیده شوم اقتصادی است که دولت‌های مختلف در سراسر جهان را به چالش کشیده است. باتوجه به اهمیت این پدیده در ایران هدف از این مقاله بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و رفتاری بر فرار مالیاتی است. در این راستا با استفاده از اطلاعات پرسش‌نامه از ۱۰۰ نفر از کارشناسان و مدیران مالیاتی مدل تحقیق با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری (PLS) مورد آزمون قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری مدل انجام پذیرفته است. در این راستا، ویژگی‌های فنی پرسش‌نامه شامل پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا بررسی گردید و اصلاحات لازم صورت پذیرفت. در بخش ساختاری ضرایب ساختاری مدل برای بررسی فرضیه‌های تحقیق ارزیابی شد. بر اساس نتایج تحقیق، عدالت مالیاتی بر فرار مالیاتی تأثیر منفی و معنادار دارد. از سوی دیگر عدالت مالیاتی به طور غیرمستقیم و با نقش میانجی متغیر فساد اقتصادی بر فرار مالیاتی تأثیرگذار است. همچنین تأثیر اطرافیان که در پرداخت مالیات به‌درستی عمل نمی‌کنند بر فرار مالیاتی افراد مثبت و معنادار است و این متغیر با متغیر میانجی اخلاقیات نیز بر فرار مالیاتی تأثیرگذار است. در مجموع می‌توان گفت، از منظر اجتماعی دولت بایستی تلاش نماید اعتماد مردم به دستگاه مالیاتی را از طرق گوناگون از جمله اعلام عمومی هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی افزایش دهد تا تمکین مالیاتی از این طریق افزایش پیدا کند.

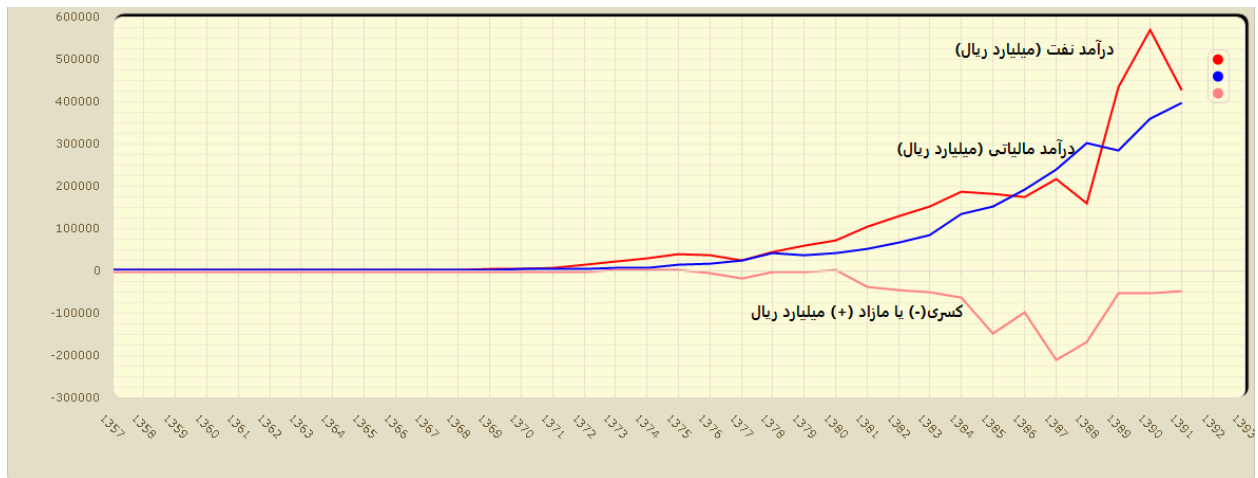
واژگان کلیدی: فرار مالیاتی، فساد، انصاف مالیاتی، اخلاق، تأثیر اطرافیان.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران، hasanjamali4444@yahoo.com
^۲ دانشیار گروه مدیریت دولتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)،
 etebarian@khuif.ac.ir

^۳ استادیار گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران، Saeed.sharifi2003@gmail.com

مالیات توانایی دولت‌ها در تأمین امنیت و برآورده کردن نیازهای عمومی را ارتقا می‌دهد و توسعه اقتصادی را تسریع می‌بخشد. مالیات به‌عنوان پایدارترین و قابل‌اعتمادترین منبع درآمد دولت محسوب می‌شود و به دولت‌ها کمک می‌کند تا از عهده هزینه‌های روبه‌افزایش خود بریبایند (ادیون^۴، ۲۰۱۱؛ اوکارو^۵، ۲۰۱۲؛ الخطیب و همکاران^۶، ۲۰۱۸). پیشگیری از فرار مالیاتی به عوامل بسیاری بستگی دارد (تورگلر^۷، ۲۰۰۵). اراده مالیات‌دهندگان برای تمکین از قوانین مالیاتی، یکی از مهم‌ترین عوامل در دستیابی به وصول مالیاتی به شکل داوطلبانه است. به گفته کیورکلر (کیرچلر^۸، ۲۰۰۷)، قصور مالیات‌دهندگان در تمکین از قوانین و مقررات مالیاتی، حاکی از وجود فرار مالیاتی است. فرار مالیاتی، باتوجه به ماهیت خلاقانه و سناریوهای پویای خود، بیش‌ازپیش برای مقامات مالیاتی در سطح جهان چالش‌برانگیز شده است و به شکلی روزافزون بر پیچیدگی آن نیز افزوده می‌شود (آلن و هریس^۹، ۲۰۱۷). طبق گفته آلم و همکاران (آلم و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۶)، فرار از مالیات یک عمل غیرقانونی عمدی برای به‌حداقل رساندن یا دورزدن مسئولیت مالیاتی است. در همین راستا، مانا^{۱۱} (۲۰۱۱) فرار مالیاتی را کاربرد یک ابزار غیرقانونی در راستای کاهش بدهی مالیاتی توسط مالیات‌دهندگان توصیف می‌کند؛ بنابراین فرار از مالیات موضوعی حیاتی تلقی می‌شود که درآمدهای پایدار دولت‌ها را تهدید می‌کند و بر کسری بودجه می‌افزاید. کسری بودجه امری متداول در دولت‌هاست که تعمیق آن می‌تواند اجرای سیاست‌های دولت از جمله سیاست‌های اقتصادی را به مخاطره بیندازد (پیرتیل^{۱۲}، ۱۹۹۹)؛ بنابراین ضرورت مدیریت بهینه و صحیح درآمدهای دولت از جمله مالیات بیش از گذشته احساس می‌شود. اگرچه درآمد مالیاتی مهم است، اما مدیریت مالیاتی اهمیت بیشتری دلالت دارد (بال و همکاران^{۱۳}، ۱۹۹۹). باتوجه به اینکه فرار مالیاتی در عصر حاضر بسیار شایع شده است به نظر می‌رسد مدیریت مالیاتی تا حد زیادی دچار چالش شده و حتی در اغلب مواقع بی‌اثر شده است (بروتیگام^{۱۴}، ۲۰۰۸). این پدیده با شدت و ضعفی متفاوت هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم درحال توسعه شایع است (الادام و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۶) و اغلب به‌عنوان جرم مالی مدرن در نظر گرفته می‌شود. باتوجه به وجود اقتصاد غیررسمی بزرگ در کشورهای درحال توسعه، ازدست‌دادن درآمد مالیاتی که ناشی از فرار مالیاتی می‌باشد، در کشورهای مذکور در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته بالاتر است (ترکپر^{۱۶}، ۲۰۰۳). از سوی دیگر در کشورهای دارای منابع طبیعی نظیر منابع نفتی، اهمیت فزاینده درآمد مالیاتی در مقایسه با درآمد حاصل از منابع طبیعی، توجه محققان را به انجام مطالعات بیشتر به خود جلب کرده است (التافی و همکاران^{۱۷}، ۲۰۱۵؛ الشیراله و همکاران^{۱۸}، ۲۰۱۶). در نمودار (۱)، میزان درآمد حاصل از نفت، مالیات و کسری بودجه نشان‌داده شده است:

- ^۴ Edwin
^۵ Okauru
^۶ Alkhatib et.al
^۷ Torgler
^۸ Kirchler
^۹ Alleyne & Harris
^{۱۰} Alm et.al
^{۱۱} Manea
^{۱۲} Pirtila
^{۱۳} Bahl et.al
^{۱۴} Brautigam et.al
^{۱۵} AlAdham et.al
^{۱۶} Terkper
^{۱۷} Al-Ttaffi et.al
^{۱۸} Alshir'ah et.al



منبع: بانک مرکزی

در ایران نیز همچون دیگر کشورها، فرار مالیاتی به یکی از چالش‌های اصلی دولت‌ها بدل شده است (راهال،^{۱۹}، ۲۰۱۷). این در حالی است که روند کسری بودجه در سال‌های اخیر افزایش چشمگیری داشته است. راهال (۲۰۱۷) مطرح می‌کند که عدم موفقیت در وصول مالیات در تعمیق کسری بودجه تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد و کسری بودجه نیز به نوبه خود بر رشد اقتصادی تأثیر منفی دارد (اسچینگر و انسته^{۲۰}، ۲۰۰۰). از این رو، توجه به این پدیده شوم اقتصادی و بررسی عوامل موثر بر آن نیاز به توجه و بررسی بیشتری دارد. مطالعات بسیاری در داخل و خارج از کشور به پدیده فرار مالیاتی پرداخته‌اند (به‌عنوان مثال راهال، ۲۰۱۷؛ راهی^{۲۱}، ۲۰۰۴؛ الخطیب و عبدالجبار^{۲۲}، ۲۰۰۴؛ ابوعمریا^{۲۳}، ۲۰۱۹؛ الشروف^{۲۴}، ۲۰۱۹؛ کوباجا و عمر^{۲۵}، ۲۰۱۹). اما عوامل پیش‌بینی‌کننده فرار مالیاتی، بسیار گسترده‌تر از آن است که بتوانند توسط مطالعات این حوزه پوشش داده شوند؛ بنابراین همچنان شکاف تحقیقاتی بسیاری برای درک بهتر عوامل تعیین‌کننده فرار مالیاتی وجود دارند (خلیف و آچک^{۲۶}، ۲۰۱۵). مطالعات موجود همچون (جکسون و میلیرون^{۲۷}، ۱۹۸۶؛ ریچاردسون و سویر^{۲۸}، ۲۰۰۱). عوامل کلیدی موثر بر فرار مالیاتی را ترکیبی از عوامل جمعیتی، اقتصادی و رفتاری می‌دانند. مطالعات دیگر تنها بر برخی عوامل رفتاری متمرکز شده‌اند (آلم و تورگلر^{۲۹}، ۲۰۱۹؛ بنک و همکاران^{۳۰}، ۲۰۱۵؛ کریچلر و همکاران^{۳۱}، ۲۰۰۸)، اما بسیار محدود هستند. بر این اساس در این مطالعه تلاش شده است فرار مالیاتی از منظر جامعه‌شناختی و فرهنگی مورد ارزیابی قرار گیرد. بر این اساس در این تحقیق چهار عامل که ریشه در اقتضانات

^{۱۹} Rahhal
^{۲۰} Schneider & Enste
^{۲۱} Riahi
^{۲۲} Alkhatib & Abdul-Jabbar
^{۲۳} Abuamria
^{۲۴} Alshrouf
^{۲۵} Qubbaja & Omar
^{۲۶} Khlif & Achek
^{۲۷} Jackson & Milliron
^{۲۸} Richardson & Sawyer
^{۲۹} Alm & Torgler
^{۳۰} Benk et.al
^{۳۱} Kirchler et.al

اجتماعی جوامع دارند شامل مفاسد اقتصادی، انصاف مالیاتی، اخلاق و روابط اجتماعی در حوزه فرار مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته است.

مروری بر مبانی نظری

افزایش مفاسد اقتصادی و فرار مالیاتی

فساد زمانی رخ می‌دهد که یک فرد درازای یک اقدام غیرقانونی توسط یک مأمور دولتی، مبلغ مشخصی پول پرداخت کند. از دیدگاه مک کلان (۲۰۱۳)، ۳۲. فساد اقتصادی موجب کاهش درآمدهای قابل وصول دولت می‌شود؛ زیرا مالیات‌دهندگان می‌توانند به راحتی با پرداخت رشوه به مقامات مالیاتی، اقدام به فرار مالیاتی کنند و یا اینکه کمتر مالیات بپردازند. از این رو، درآمد مورد انتظار دولت کاهش پیدا می‌کند. این امر همواره تلاش‌های دولت، به ویژه در یک کشور در حال توسعه که دچار کمبود نقدینگی است را در ایفای مسئولیت اصلی خود در ارائه کالاها و خدمات عمومی مانند امنیت، آموزش و بهداشت، کاهش می‌دهد. فساد یک مشکل شایع در سراسر جهان است، و ریشه‌های آن هنوز به درستی توسط سیاست‌گذاران درک و شناسایی نشده است (کاروالو و همکاران، ۲۰۱۶) و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به طور پیوسته نیز در حال افزایش است (الابده، ۲۰۱۲). رفتارهای فساد انگیز شامل رشوه برای صدور مجوز، واگذاری قراردادها در ازای پول، سرقت از خزانه عمومی و فروش کالاهای دولتی به قیمت بازار سیاه از جمله مفاسد اقتصادی مرتبط با حوزه فرار مالیاتی محسوب می‌شود. ثابت شده است که فساد ادراک شده، پیش‌بینی‌کننده مهمی برای رفتار تمکین مالیاتی است (تورگلر، ۲۰۰۳؛ آلم و همکاران، ۲۰۱۶). فساد، مالیات‌دهندگان را از پرداخت مالیات منصرف می‌کند (اوسلانر، ۲۰۱۰)، و مانع از رفتار قانونی ایشان می‌شود (تورگلر، ۲۰۰۳). سطح تکین بالاتر را می‌توان با سطح پایینی از فساد به دست آورد؛ بنابراین کنترل موثر فساد با فرار مالیاتی رابطه منفی دارد. مدل نظری فرار مالیاتی که شامل فساد می‌شود، توسط چاندر و وایلد بر اساس رویکرد نظری بازی‌ها تدوین شده است. مطالعه انجام شده توسط بیلوتکچ نیز نشان می‌دهد که فساد کارکنان اداره مالیات در اوکراین تأثیر قابل توجهی بر فرار مالیاتی دارد. به گفته پیکور و همکاران (۲۰۰۶)، کنترل فساد رابطه منفی با فرار مالیاتی دارد. به عبارت دیگر رابطه مثبتی بین فساد و فرار مالیاتی وجود دارد. مک گی و مارانجین طی تحقیق خود دریافتند که تعداد قابل توجهی از مفسدان اقتصادی در فرار از مالیات نیز نقش داشته‌اند. همچنین، اوروند فرض می‌کند که عامل اصلی فرار مالیاتی، درک اثربخشی نامناسب سیاست‌های دولت است. باین حال، همان‌طور که رحمانی و فلاحی (۲۰۱۲)، گفته‌اند یک مالیات‌دهنده منطقی ملزم به رعایت مقررات مربوط به قانون مالیات است و زمانی که سطح مالیات خود را با میزان هزینه پرداخت رشوه مقایسه می‌کند، فرار مالیاتی را به صرفه می‌داند. ایوبا، سعد و عارفین تفکر مالیات‌دهندگان را بیان می‌کنند که ممکن است تا حد زیادی بر رفتار تمکین مالیاتی ایشان تأثیر بگذارد. این تفکرات شامل درک سطح فساد در دولت است. طوریکه این شبهه وجود دارد که آیا درآمد حاصل از مالیات برای تأمین رفاه اجتماعی به کار می‌رود یا خیر. علاوه بر این، توجیه مالیات‌دهندگان برای فرار از مالیات، مبتنی بر وجود فساد در میان سیاستمداران و انحراف مالیاتی است. باین حال، برخی دیگر از یافته‌های تجربی حقایق دیگری را آشکار کردند. به عنوان مثال،

^{۳۱} McClellan

^{۳۲} Carvalho et.al

^{۳۴} Alabede

^{۳۵} Uslaner

^{۳۶} Picur, et.a

^{۳۷} Rahmani & Fallahi

مطالعه آکدده (۲۰۰۶) که بر رشوه‌خواری در میان مقامات دولتی تمرکز داشت، نشان داد که رشوه‌خواری رابطه منفی با فرار مالیاتی دارد. این نشان می‌دهد که مالیات‌دهندگان داوطلبانه انتخاب می‌کنند که بجای عمل متخلفانه، مالیات خود را پرداخت کنند. همچنین، امام و جیکوبز (۲۰۱۴) دریافتند که رابطه بین فساد و درآمد مالیاتی منفی است. شواهد تجربی نشان داده در کشوری که سطح فساد کمتر است، تمکین مالیاتی بیشتر مشاهده می‌شود و این به این معنی است که سطح بالای فساد ممکن است تمکین مالیاتی و تمایل به پرداخت منفی مالیات را تحت تأثیر قرار دهد. اگر مالیات‌دهندگان متوجه شوند که دولت فاسد است و مالیات در بخش‌های صحیح خرج نمی‌شود، احساس بدی پیدا می‌کنند و این به نوبه خود بر رفتار تمکین مالیاتی از سوی ایشان تأثیرگذار است. سطح بالایی از فساد همچنین می‌تواند به‌طور کلی تمایل مالیات‌دهندگان را برای پذیرش و اعتماد به دولت و نیز مطابقت با قوانین مالیاتی را به طور خاص کاهش دهد. علاوه بر این، بیشتر یافته‌های تجربی قبلی، رابطه مثبتی را در مورد تأثیر فساد بر فرار مالیاتی نشان دادند، در حالی که بر اساس تعدادی از مطالعات، رابطه بین آن‌ها یا منفی است (آکدده، ۲۰۰۶) و یا اثر ناچیزی دارد (امام و جیکوبز، ۲۰۱۴).

عدالت مالیاتی و فرار مالیاتی

انصاف مالیاتی که مفهومی ادراکی و نگرشی متغیر است، بخشی از ملاحظات در تصمیم‌گیری مالیات‌دهندگان می‌باشد (فارار و همکاران ۲۰۱۷، ۴۰). ونزل (۲۰۰۲) در مطالعه خود به چارچوبی مبتنی بر عدالت روان‌شناسی و اجتماعی اشاره می‌کند که سه بعد اصلی عدالت، یعنی عدالت توزیعی، رویه‌ای و جزایی را شامل می‌شود. در این مطالعه عدالت توزیعی درک شده به‌منظور تأثیر بر فرار مالیاتی مطرح شده است. با این تفکر، ثابت شد که مالیات‌دهندگانی که تصور می‌کنند تعهد مالیاتی آن‌ها بیشتر از دیگر مالیات‌دهندگان است، تمایل دارند کم‌تر از قانون مالیاتی تمکین کنند. همچنین، به نظر می‌رسد نابرابری در حوزه مالیات ستانی، پیروی از قوانین مالیاتی را تضعیف می‌کند. مطالعات بسیاری تأکید می‌کنند درک عدالت سیستم مالیاتی در تمکین مالیاتی مالیات‌دهندگان موثر است. استدلال می‌شود که در یک سیستم مالیاتی ناعادلانه، مالیات‌دهندگان درک می‌کنند که مالیات بیشتری در مقایسه با دیگران یا در ازای سطح بهره‌مندی از کالاها و خدمات عمومی، پرداخت می‌کنند. از دیدگاه جکسون و میلی (۱۹۸۶)، عدالت مالیاتی شامل حداقل دو بعد مختلف است. بعد اول مربوط به مزایای دریافتی بابت مالیات داده شده است. بعد دیگر مربوط به حقوق مالیات‌دهندگان در مقایسه با حقوق سایر مالیات‌دهندگان می‌باشد. محققان ادعا می‌کنند که مالیات‌دهندگان، در صورتی که درک کنند که سیستم مالیاتی ناعادلانه است، کم‌تر با سیستم مالیاتی سازگار می‌شوند. علاوه بر این، فرار مالیاتی درک آزردهنده بی‌عدالتی را در میان مالیات‌دهندگان ارتقا می‌دهد؛ بنابراین در یک چنین سیستمی هنگامی که دولت مالیات جدید وضع می‌کند، بار مالیاتی مالیات‌دهندگان افزایش می‌یابد و ممکن است آن‌ها را مجبور به فرار از مالیات کند (آلادام و همکاران، ۲۰۱۶). باتوجه به فرار و همکاران (۲۰۱۷)، هنگامی که عدالت تعاملی بالاتر باشد، پیروی از مالیات به بالاترین حد می‌رسد. باور عمومی مالیات‌دهندگان و مدیران مالیاتی این است که نارضایتی روبه‌رشدی از عدالت سیستم مالیاتی وجود دارد که موجب افزایش فرار مالیاتی شده است. ریچاردسون (۲۰۰۶) رابطه بین عدالت و فرار مالیاتی را مورد بررسی قرار داد. او متوجه شد که این رابطه معکوس است و نشان می‌دهد هر چه سطح انصاف بالاتر باشد، سطح فرار مالیاتی کم‌تر خواهد بود. اکثر مطالعات قبلی، رابطه

^{۳۸} Akdede

^{۳۹} Imam & Jacobs

^{۴۰} Farrar et.al

^{۴۱} Wenzel

^{۴۲} richardson

منفی‌بین عدالت و فرار مالیاتی را نشان می‌دهند. برخی مطالعات رابطه میان متغیرهای فرار مالیاتی و عدالت مالیاتی را مثبت و برعکس، مطالعات اندکی تأثیر ناچیزی از عدالت مالیاتی بر فرار مالیاتی نشان داده‌اند (فارار و همکاران، ۲۰۱۷).

اخلاق و فرار مالیاتی

اخلاق، اقدامات انسانی از جمله فعالیت‌های اقتصادی را هدایت می‌کند و بخشی از نگرش افراد را شکل می‌دهد (الزیر و همکاران ۴۳، ۲۰۱۹). اخلاق شامل انطباق با قوانین و ارزش‌های اخلاقی در فعالیت‌های انسانی است (ایزرسون ۴۴، ۱۹۹۹). مجموعه‌ای از مفاهیم و اصول است که ما را در تعیین رفتار راهنمایی می‌کند؛ بنابراین، اخلاق مالیاتی، روحیه مالیاتی، یا صداقت مالیاتی به‌عنوان یک انگیزه درونی برای پرداخت مالیات ناشی از تعهد اخلاقی در پرداخت مالیات و اعتقاد به مشارکت معنادار در جامعه توصیف می‌شوند (کامینگز و همکاران ۴۵، ۲۰۰۹؛ فری و تورگلر ۴۶، ۲۰۰۷؛ تورگلر و اسپیندلر ۴۷، ۲۰۰۹). به‌عبارت‌دیگر، اخلاق سیستم‌هایی از اصول رفتاری هستند که برای ایجاد جهت‌گیری در تعاملات اجتماعی طراحی شده‌اند، یا برای تنظیم رابطه بین افراد و تعدیل امور انسانی به کار می‌روند (هو و وانگ ۴۸، ۲۰۰۸). طبق نظر توهوگان ۴۹ (۱۹۷۳)، پنج بعد را می‌توان در تشریح فعالیت‌های اخلاقی مورد استفاده قرار داد. این ابعاد شامل دانش، اجتماعی شدن، استقلال، همدلی و قضاوت غیرمنطقی است. ریچاردسون (۲۰۰۶)، در مطالعه خود بر روی ۴۵ کشور نشان داد که عوامل غیراقتصادی، در مقایسه با عوامل اقتصادی، بیش‌ترین تأثیر را بر فرار مالیاتی دارند. همچنین اخلاقیات را به‌عنوان یکی از عوامل موثر بر فرار مالیاتی مطرح نمود. احساساتی مانند احساس گناه و شرم، در رفتار مالیات‌دهنده موثر است. احساس گناه که به‌عنوان اخلاق مالیاتی نیز شناخته می‌شود، می‌تواند منجر به کاهش فرار مالیاتی شود. فرار مالیاتی غیراخلاقی است و بر توزیع ثروت (مزایای عمومی که توسط درآمد‌های مالیاتی تأمین مالی می‌شوند) در میان این بخش‌ها تأثیر می‌گذارد، به‌طوری‌که سایر ذی‌نفعان نیز تحت تأثیر چنین عملی قرار می‌گیرند. هنجارهای فردی به استدلالات اخلاقی، اقتدارگرایی و ماکیاولیسم، خودپرستی، وابستگی به ارزش‌ها و دیگر ویژگی‌ها مربوط می‌شوند. بین هنجارها، ارزش‌ها و اخلاق مالیاتی فردی همپوشانی قابل‌توجهی وجود دارد؛ هنگامی که استدلال اخلاقی یا اخلاق مالیاتی توسعه‌یافته‌تر باشد، تمکین داوطلبانه به احتمال زیاد رخ خواهد داد؛ بنابراین از نظر اخلاقی در یک جامعه خاص، فرار از مالیات می‌تواند به‌صورت کاملاً غیراخلاقی، کاملاً اخلاقی و یا حد واسط آن‌ها محسوب شود (مکجی و همکاران ۵۰، ۲۰۱۱). اما در اغلب جوامع فرار مالیاتی به‌عنوان امری غیراخلاقی تلقی می‌شود، چراکه در اثر آن مالیات‌دهندگان مالیات‌های سنگینی را به کشور خود تحمیل می‌کنند. از دیدگاه اسلام، فرار از مالیات یک عمل غیراخلاقی است که مجازات‌های جدی را طلب می‌کند (بنک و همکاران ۵۱، ۲۰۱۵). فرار از مالیات نه تنها اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد همچنین هدف کمک به فقرا در اسلام را منحرف می‌سازد. اخلاق مالیات‌دهندگان نقش بالقوه‌ای را در تصمیمات (مشاهده نشده) آن‌ها ایفا می‌کند. پیروی از این قانون، درخواست اخلاقی از مالیات‌دهندگان است. براین‌اساس مالیات‌دهندگانی که جایگاه اجتماعی مناسبی ندارند از این درخواست سرباز می‌زنند؛ بنابراین اخلاقیات می‌تواند یک عامل پیشران در تمکین مالیاتی تلقی شود. تمکین مالیاتی در جوامعی که احساس

^{۴۳} Al Zeer et.al

^{۴۴} Iserson

^{۴۵} Cummings, et.al

^{۴۶} Frey & Torgler

^{۴۷} Torgler & Schneider

^{۴۸} Ho & Wong

^{۴۹} Hogan

^{۵۰} McGee et.al

^{۵۱} Benk et.al

قوی‌تری از انسجام اجتماعی دارند، بیشتر است. به همین ترتیب، یک رابطه منفی بین اصول اخلاقی و فرار مالیاتی توسط ریاویه بلکوئی مطرح شده است؛ بنابراین، هنگام بررسی رفتار فرار مالیاتی، باید به اخلاقیات مالیات‌دهندگان توجه شود. از سوی دیگر، بلومتال و همکاران ۵۲ (۲۰۰۱) استدلال می‌کنند که تمایل مالیات‌دهندگان با اخلاق نیز می‌تواند با فرار مالیاتی بالا همراه باشد. در مقابل، اخلاق مالیاتی، ارتباط مثبتی با فرار مالیاتی دارد. اگرچه اکثر پژوهش‌های پیشین، رابطه منفی بین اخلاق مالیاتی و فرار مالیاتی را نشان داده‌اند (ماننا، ۲۰۱۱؛ ریاحی، ۲۰۰۴؛ چان و همکاران ۵۳، ۲۰۰۰)، اما مطالعات دیگر نشان داده‌اند که رابطه بین آن‌ها یا مثبت است و یا هیچ رابطه‌ای وجود ندارد (فلنر و همکاران ۵۴، ۲۰۱۳؛ آریل ۵۵، ۲۰۱۲؛ اسلهات ۵۶، ۲۰۰۹).

روابط اجتماعی و فرار مالیاتی

سایر مالیات‌دهندگان می‌توانند دوستان، خویشاوندان، افرادی که روزمره با آن‌ها ارتباط داریم و یا همکاران باشند. تأثیر گروه‌های مذکور بر ترجیحات، ارزش‌های شخصی و رفتار مالیات‌دهندگان بسیار بالا است. مالیات‌دهندگانی که از روابط اجتماعی خود در فعالیت‌های غیرقانونی تأثیر می‌پذیرند، بیشتر احتمال دارد که تمکین مالیاتی نداشته باشند. تأثیر همتایان بخشی از ویژگی‌های فرهنگی گروه‌های خاص، افراد یا ملت‌ها را شکل می‌دهد. در حوزه مالیات، مالیات‌دهندگان تحت تأثیر رفتارهای مالیاتی دیگران قرار می‌گیرند؛ بنابراین، تمایل مالیات‌دهندگان برای پرداخت مالیات به احتمال زیاد زمانی بالا خواهد بود که آن‌ها این باور را داشته باشند که مالیات‌دهندگان دیگر نیز مالیات‌های خود را پرداخت می‌کنند. از این رو، تصمیم‌گیری مالیات‌دهندگان ممکن است توسط افراد یا گروه‌هایی مانند خانواده، همسالان، دوستان و همکاران تحت تأثیر قرار گیرد. طبق نظر شولز و همکاران ۵۷ (۲۰۲۰)، نظر دیگران عامل ضروری و تأثیرگذار بر تغییر در تعهد مودیان مالیاتی به تمکین مالیاتی است. اگر مالیات‌دهندگان باور داشته باشند که فرار مالیاتی در میان گروه‌های مختلف و اطرافیان آن‌ها رایج و گسترده است، تمایل آن‌ها به عدم تبعیت نیز بسیار بالا خواهد بود. از این رو، اگر بسیاری از مالیات‌دهندگان در عمل فرار مالیاتی داشته باشند، مالیات‌دهندگان دیگر نیز انگیزه بیشتری برای فرار از مالیات خواهند داشت. باین‌حال، هنگامی که تعداد قابل‌توجهی از افراد فرار از مالیات را مذموم می‌دانند، تمایل دیگر مالیات‌دهندگان به فرار از مالیات کم‌تر خواهد بود. عالم و همکاران ۵۸ (۲۰۱۶) مطرح می‌کنند که رفتارهای مالیات‌دهندگان تحت تأثیر رفتار "همتایان" آن‌ها، یا افرادی که ممکن است درباره آن‌ها بدانند یا اطلاعات داشته باشند، یا با آن‌ها به طور منظم تعامل داشته باشند، قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد مالیات‌دهندگان زمانی که باور دارند که دیگران در امر پرداخت مالیات با آن موافق هستند، احتمالاً بیشتر تمکین مالیاتی داشته باشند. آن‌ها بر این باورند که دیگران نیز به فرار مالیاتی روی می‌آورند و ممکن است آن‌ها نیز مرتکب این عمل بشوند. هر چه هنجار اجتماعی اطاعت از قانون بیشتر باشد، احساس گناه توسط مالیات‌دهندگانی که مسئولیت مالیاتی خود را زیر پا می‌گذارند، بیشتر خواهد بود. در جامعه‌ای که حس قوی‌تری از انسجام اجتماعی وجود دارد، سطح تمکین مالیاتی در چنین جامعه‌ای بالا خواهد بود. سوتینن و کپران ۵۹ (۱۹۹۹) نظرات همتایان و میزان تأثیر اجتماعی بر مالیات‌دهندگان در اجتماع را به‌عنوان متغیرهای موثر بر تمکین مالیاتی توصیف می‌کنند. تأثیر اجتماعی شامل چگونگی تغییر

^{۵۲} Blumenthal & Christian,

^{۵۳} Chan et.al

^{۵۴} Fellner

^{۵۵} Ariel

^{۵۶} Slehat

^{۵۷} Scholz et.al

^{۵۸} Alm et al.

^{۵۹} Sutinen & Kuperan,

افکار، احساسات و رفتار ما در حضور دیگران است (کریسپ و ترنر، ۲۰۰۷). به عبارت دیگر، هنجارهای اجتماعی، نیروی قدرتمندی هستند که در هر زمینه اجتماعی رفتار را شکل می‌دهند. علاوه بر این، فساد می‌تواند به عنوان بازتابی از هنجارهای اجتماعی که روابط درون‌گروهی را کنترل می‌کنند، گسترش یابد (جینو و همکاران، ۲۰۰۹). بنابراین، باورهای مالیات‌دهنده در مورد رفتار دیگران، تصمیم به پرداخت مالیات از سوی ایشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مالیات‌دهندگان در صورتی که دیگران صادقانه رفتار کنند، احتمال کمتری برای نپرداختن مالیات خود دارند (تراکسلر، ۲۰۱۰؛ فری و تورگلر، ۲۰۰۷). بنابراین، درک بهتر سطح انطباق سایر اعضای جامعه می‌تواند میزان فرار مالیاتی را کاهش دهد (چوبک و ینی چری، ۲۰۱۳) و مثال‌های ارائه‌شده توسط روابط اجتماعی در واقع بسیاری از تصمیمات اتخاذشده توسط مالیات‌دهندگان را تهبیح می‌کند. رفتار مودیان نسبت به مالیات، وابسته به سازگاری افراد دیگر در جامعه است که تحت تأثیر هنجارهای اجتماعی قرار دارد. شولتز و همکاران (۱۹۹۲) نشان می‌دهد که نظر دیگران در مورد تعهد مالیات‌دهندگان بر فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارد. یافته‌های مشابهی توسط مطالعات دیگر به اثبات رسیده است (ساکومیس و همکاران، ۲۰۰۷).

برخی از مطالعات اخیر نیز تأثیر قابل توجهی از تأثیر اطرافیان بر تمکین مالیاتی را نشان داده‌اند. باین حال، تأثیر ناچیز تأثیر اطرافیان بر فرار مالیاتی نیز گزارش شده است، به‌ویژه بیش از دو دهه پیش به بررسی تأثیر اطرافیان بر فرار مالیاتی با کمک روش تجربی پرداختند. باورهای مالیات‌دهندگان در مورد گروه‌های مرجع خاص شامل دوستان، اعضای خانواده، همسر و کارفرمایان را ارزیابی کردند. یک مطالعه اخیر توسط پالیل و همکاران (۲۰۱۲) به این نتیجه رسید که تمکین مالیاتی از سوی خانواده و دوستان باعث افزایش سطح تمکین مالیاتی فرد نمی‌شود. به‌طور خلاصه، بررسی‌های فوق نشان می‌دهد که اکثر مطالعات قبلی، اثر قابل توجه تأثیر روابط اجتماعی بر فرار مالیاتی را به اثبات رسانده‌اند، درحالی‌که تنها تعداد کمی از مطالعات، اثر ناچیزی را گزارش کرده‌اند.

مروری بر پیشینه تحقیق

مرور بر مطالعات داخلی نشان می‌دهد مطالعه‌ای که به بررسی ابعاد فرهنگی و اجتماعی فرار مالیاتی بپردازد بسیار اندک و محدود است. براین اساس علاوه بر مطالعاتی که در بخش مبانی نظری مورد اشاره قرار گرفت، در این قسمت نیز به مطالعاتی که به هر نحو مرتبط با موضوع تحقیق حاضر هستند، پرداخته می‌شود. در میان مطالعات داخلی، باریکانی (۱۴۰۰) در مطالعه خود با عنوان «تحلیل عدم تمکین و پذیرش پرداخت مالیات از سوی مردم» با رویکرد کیفی به این نتیجه رسیده است که دلایل متعددی مانند تبعیض در دریافت مالیات، نامشهود بودن آثار درآمدهای مالیاتی در جامعه، عدم وجود شفافیت از محل خرج درآمدهای مالیاتی، برای فرار مالیاتی وجود دارد. وجود فرار مالیاتی گسترده از سوی عده‌ای، انگیزه سایرین برای پرداخت مالیات را کاهش داده و موجب می‌شود دولت از محل درآمدهای مالیاتی دچار کسری بودجه شده و بخش‌های حیاتی مانند بخش بهداشت و درمان، بخش آموزش و پرورش، طرح‌های عمرانی و آبادانی کشور و غیره تأمین منابع نشوند. در این شرایط اقتصاد کشور تضعیف شده و وابستگی به سایر کشورها نتیجه خواهد شد. نمازیان و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر فرار مالیاتی و فساد مالیاتی» با استفاده از متغیرهای مالی، هم‌زمان تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت

^{۶۰} Crisp & Turner

^{۶۱} Gino et.al

^{۶۲} Traxler

^{۶۳} Çevik & Yeniçeri

^{۶۴} Tsakumis et.al

^{۶۵} Palil et.al

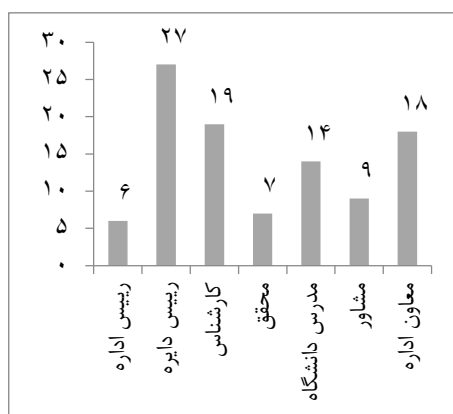
حاکمیت شرکتی بر فرار و فساد مالیاتی را با روش رگرسیونی چندمتغیره بررسی نمودند. بر اساس نتایج این تحقیق، بین نرخ مؤثر مالیاتی و فرار و فساد مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما با اضافه‌شدن متغیر کیفیت حاکمیت شرکتی به رابطه‌های فوق، تغییر معناداری روی رابطه بین نرخ مؤثر مالیاتی و فرار و فساد مالیاتی مشاهده نشد. صامتی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه خود با عنوان «تعیین عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی با استفاده از روش فراتحلیل» با استفاده از روش فراتحلیل، عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی و همچنین شدت ارتباط آن‌ها با فرار مالیاتی برای کشور ایران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که متغیرهای عوامل اقتصادی، درآمد سرانه، عوامل تکنولوژی، عوامل اجتماعی، عوامل قانونی، تورم، عوامل فرهنگی، محدودیت تجاری، بار مالیاتی، بیکاری و حجم دولت عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی می‌باشند و بیشترین شدت تأثیرگذاری را عوامل فرهنگی و کمترین شدت تأثیرگذاری را درآمد سرانه بر فرار مالیاتی می‌گذارند. غلامی (۱۴۰۰) در مطالعه خود تحت عنوان «ملاحظات امنیت اقتصادی معوقات و فرار مالیاتی» مطرح می‌کند در بسیاری از کشورها تمرکز و تکیه دولت برای تأمین بودجه بر درآمدهای مالیاتی است، اما در کشورهایی که به طور عمده بودجه خود را از درآمدهای نفتی به دست می‌آورند، تمرکز بر درآمدهای مالیاتی و مدیریت نظام مالیات ستانی کمتر است. در ایران هم به دلیل وجود درآمدهای نفتی این مشکل وجود دارد و کنترل و مدیریت نظام مالیاتی بهینه نیست. بی‌توجهی به درآمدهای مالیاتی به‌عنوان منبع اصلی تأمین بودجه به عدم نظارت صحیح بر مالیات ستانی، وجود معافیت‌های گسترده مالیاتی، عدم شناخت مقامیان مالیاتی به ایجاد معوقات مالیاتی بسیار و گسترش فرار مالیاتی منجر شده است. محسنی (۱۴۰۰) در مطالعه خود با عنوان «عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی با استفاده از تکنیک معادلات ساختاری - نقش تعدیل‌کنندگی دانش مالیاتی» به بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی دانش مالیاتی پرداخت. جامعه آماری این مطالعه مؤدیان انواع مشاغل مالیاتی در طی سال ۱۳۹۸ و نیمه اول سال ۱۳۹۹ بوده است. ۸ مورد تأثیرگذار بر فرار مالیاتی طبق پرسش‌نامه ۴ عاملی تعدیل شده فیشر (۱۹۹۲)، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این تحقیق نشان داد که متغیرهای نرخ مالیات و سطح درآمد و احتمال کشف، جرائم مالیاتی، پیچیدگی سیستم مالیاتی و نقش‌های قابل‌درک دولت، با متغیر فرار مالیاتی رابطه مثبت و معناداری دارد. درحالی‌که تأثیر و نگرش همتایان، عامل تأثیرگذاری در فرار مالیاتی نبوده است. همچنین دانش مالیاتی، به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده، بر رابطه عوامل معنادار و فرار مالیاتی تأثیرگذار است. احمدی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه خود با عنوان «ارزیابی مدل‌های سنجش فرار مالیاتی از اقتصاد نئوکلاسیک تا اقتصاد رفتاری: رهیافت تحلیل سلسله‌مراتبی در اقتصاد ایران»، به بررسی تکامل مدل‌های مختلف فرار مالیاتی از رویکرد نئوکلاسیک تا اقتصاد رفتاری و سیر تکاملی مدل‌ها و چالش‌ها و نتایج تجربی به‌دست‌آمده از این مدل‌ها پرداختند و پیش‌فرض متغیرهای مؤثر بر فرار مالیاتی در هر یک از مدل‌ها را استخراج و تحلیل نمودند. سپس با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی باتوجه‌به نظرات متخصصان حوزه مالیاتی، به رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در مدل‌های مختلف پرداختند. نتایج این نشان داد که عدم ثبات ترجیحات، زیان‌گریزی، و ابهام‌گریزی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر فرار مالیاتی هستند. همچنین، پیش‌فرض رفتاری عقلایی و سازگاری رفتاری کم‌ترین درجه توضیح‌دهندگی فرار مالیاتی را در ایران دارد. بنکرایم و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه خود با عنوان «رفتار اخلاقی، قدرت حسابرسی و فرار مالیاتی: یک‌چشم انداز جهانی» به بررسی تأثیر ویژگی‌های اخلاقی و استانداردهای حسابرسی بر فرار مالیاتی پرداختند. در این مطالعه که از طریق پرسش‌نامه انجام گردید نتایج نشان داد، حتی اگر استانداردهای حسابرسی قوی بتواند فرار مالیاتی را کاهش دهند، ولیکن رفتار اخلاقی تأثیر بیشتری در کاهش فرار مالیاتی دارد. ما و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه خود با عنوان «فرار مالیاتی، حسابرسی با حافظه و انتخاب سبد سهام» به بررسی مشکل فرار مالیاتی از منظر انتخاب سبد سهام پرداختند. ما و همکاران مفاهیم ویژگی حافظه را برای فرار مالیاتی، مالیات بر مصرف و تخصیص دارایی را بررسی کردند. نتایج

این نشان داد که ویژگی حافظه، دارایی موثر کارگزار را در دارایی پر ریسک تغییر نمی‌دهد، و تأثیرات آن در فرار مالیاتی و مالیات بر مصرف با ریسک‌پذیری کارگزار تعیین می‌شود. بتنکورد و کونز (۲۰۲۰) در مطالعه خود مطرح می‌کنند که کشورهای کم‌درآمد با سطوح بالایی از فرار مالیات بر درآمد و سرمایه درگیر هستند درحالی‌که عکس این موضوع برای کشورهای با درآمد بالا صادق است. در این راستا مدلی برای بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و هر دو نوع فرار مالیات بر درآمد پیشنهاد نموده‌اند. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده وجود یک هنجار اجتماعی نسبت به رعایت مالیات، مکملی بین سرمایه و فرار مالیات بر درآمد نیروی کار ایجاد می‌کند که کاهش سهم فرار مالیات بر جمعیت و میزان فرار مالیاتی را در هنگام انباشت سرمایه کشورها توضیح می‌دهد. این مدل پیش‌بینی می‌کند که سطح روحیه مالیاتی با هر دو نوع فرار مالیاتی بر درآمد و سطح درآمد سرانه، همبستگی مثبت دارد. درنهایت، نرخ مالیات بالاتر باعث افزایش سهم فراریان مالیاتی و مجموع فرار مالیاتی می‌شود. کیوبولا و فایک (۲۰۱۰) با در نظر گرفتن درآمد مشمول مالیات افراد ساکن آمریکا به بررسی وضعیت فرار مالیاتی در این کشور طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۶۰ پرداختند یافته‌های این تحقیق نشان‌دهنده آن است که فرار مالیاتی تابعی صعودی از نرخ مالیات، نرخ بیکاری، نارضایتی عمومی از دولت و درآمد سرانه افراد است، همچنین تابعی نزولی از اصلاح قانون مالیاتی در سال ۱۹۶۸ بوده است. ژول فاینال (۲۰۰۵)، در مطالعه خود اثرات فساد و رشوه را بر فرار مالیاتی را با استفاده از داده‌های تلفیقی در ۲۷ کشور منتخب با به‌کارگیری اطلاعات شاخص‌های جهانی بررسی نمود. نتایج مطالعه حاکی از آن است که با افزایش فساد و رشوه، عدم تمکین مالیاتی بنگاه‌ها افزایش خواهد یافت. از نظر وی فقدان سیستم‌های کنترلی مناسب عامل اصلی فساد و رشوه می‌باشد. تابنده و همکاران (۲۰۱۲) عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی از جمله اندازه دولت، نرخ تورم، پایه مالیاتی، درآمد پرداخت‌کنندگان مالیات و باز بودن تجارت را به‌عنوان دلایل اصلی در مالزی عنوان نمودند. نتایج نشان داد که اثر تورم و اندازه دولت بر فرار مالیاتی مثبت و معنادار است و رابطه بین آزادی تجاری و فرار مالیاتی منفی و معنادار می‌باشد.

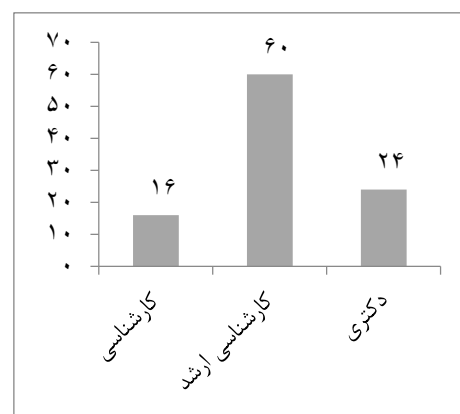
نمونه و روش تحقیق

در این مطالعه، به‌منظور تحلیل داده‌ها، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (PLS) استفاده شده است. ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان به سؤالات تحقیق به شرح ذیل کی باشد:

نمودار (۴). سمت اعضای نمونه مرحله کمی



نمودار (۳). تحصیلات اعضای نمونه مرحله کمی



منبع: تحقیق حاضر

بر اساس اطلاعات نمودارهای (۳) و (۴)، اعضای نمونه تحقیق در مرحله کمی شامل ۱۶ نفر در سطح کارشناسی، ۶۰ نفر در

سطح کارشناسی ارشد و ۲۴ نفر دکتری می‌باشند. در این مرحله، روایی و اعتبار ابزار اندازه‌گیری (پرسش‌نامه) با توجه به‌م‌رور ادبیات موضوعی پژوهش که در حقیقت همان نظر متخصصان و خبرگان است، مورد ارزیابی قرار گرفت و پرسش‌نامه طراحی شده، پیش از ارائه، به تائید تعدادی از متخصصین این حوزه رسیده است. لازم به ذکر است، برای اطمینان از روایی پرسش‌نامه نیز، ۱۵ نسخه آن در مطالعه مقدماتی بر روی افرادی که به طور تصادفی انتخاب شدند، توزیع شد و پاسخ‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. برای بررسی پایایی پرسش‌نامه نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. اگر ضریب آلفای به‌دست‌آمده بیشتر از ۰/۷ باشد آزمون از پایایی قابل‌قبولی برخوردار است. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه تحقیق حاضر، مقدار ۰/۸۹ به‌دست‌آمده که بزرگ‌تر از مقدار استاندارد ۰/۷ است؛ لذا می‌توان به این نتیجه رسید که پرسش‌نامه‌های تحقیق حاضر از پایایی مناسبی برخوردار است.

نتایج و بحث

برازش مدل مفهومی تحقیق

جهت برازش مدل به روش PLS، دو نوع آزمون الگوی اندازه‌گیری (مربوط به بررسی روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری) و الگوی ساختاری (آزمون فرضیات تحقیق و اثر متغیرهای پنهان بر یکدیگر)، مطرح می‌شود. در آزمون اول، پایایی و روایی مدل مورد بررسی قرار می‌گیرد. پایایی آزمون، به‌دقت اندازه‌گیری و ثبات آن مربوط است. برای بررسی پایایی دو نوع آزمون همسانی درونی و پایایی ترکیبی مورد بررسی قرار گرفته است: بررسی پایایی (همسانی درونی) گویه‌ها؛ پایایی هرکدام از گویه‌ها به مقدار بارهای عاملی هر یک از متغیرهای مشاهده‌شده اشاره دارد و برای مشخص کردن اینکه شاخص‌های اندازه‌گیری (متغیرهای مشاهده‌شده) تا چه اندازه برای سنجش متغیرهای پنهان قابل‌قبول‌اند، مورد استفاده قرار گرفته است و حداقل مقدار قابل‌قبول آن ۰/۴ می‌باشد. نتایج حاصل از بررسی ضرایب بارهای عاملی نشان می‌دهد تعدادی از گویه‌ها دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ هستند؛ لذا مدل اندازه‌گیری با حذف گویه‌های مذکور، مجدداً بررسی شد و گویه‌های با بار عاملی بالاتر از ۰/۴ در تحلیل‌های بعدی مورد استفاده قرار گرفت. پایایی ترکیبی (ضریب دیلون - گلدشتاین (ρ))؛ دومین ملاک پایایی، حداقل باید بالاتر از ۰/۶ باشد. همان‌گونه در جدول (۱) ملاحظه می‌شود، ضریب پایایی مرکب برای کلیه متغیرهای تحقیق در سطح قابل‌قبولی و بالای ۰/۶ قرار دارد.

جدول (۱). نتایج بررسی پایایی ترکیبی متغیرهای تحقیق

| عنوان متغیرها | آلفای کرونباخ $a > 0,7$ | پایایی ترکیبی $CR > 0,7$ |
|----------------|----------------------------|-----------------------------|
| فساد اقتصادی | ۰,۸۰ | ۰,۷۶ |
| عدالت مالیاتی | ۰,۸۲ | ۰,۸۸ |
| فرار مالیاتی | ۰,۸۲ | ۰,۸۸ |
| تأثیر اطرافیان | ۰,۸ | ۰,۸۶ |
| اخلاقیات | ۰,۷۶ | ۰,۸۰ |

بررسی روایی متغیرها؛ در بحث روایی مدل اندازه‌گیری، دو روش مهم وجود دارد. یکی بحث روایی همگرا و دیگری روایی تشخیصی است. منظور از روایی همگرا، سنجش میزان تبیین متغیر پنهان توسط متغیرهای مشاهده‌پذیر آن است. روایی همگرا از

طریق معیار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) ۶۶ بررسی می‌شود. این شاخص نشان‌دهنده میزان واریانس است که یک سازه از نشانگرهایش به دست می‌آورد و در صورت بیش‌تر شدن این معیار از ۰/۴، روایی همگرای ابزار اندازه‌گیری تأیید می‌شود.

جدول (۲): بررسی روایی همگرای متغیرهای تحقیق

| عنوان متغیرها | میانگین واریانس استخراج شده (AVE) |
|----------------|-----------------------------------|
| فساد اقتصادی | ۰,۵۸ |
| عدالت مالیاتی | ۰,۶۵ |
| فرار مالیاتی | ۰,۵۹ |
| تأثیر اطرافیان | ۰,۵۲ |
| اخلاقیات | ۰,۵۳ |

منبع: یافته‌های تحقیق

روایی تشخیصی یا واگرا، در واقع مکمل روایی همگرا بوده و نشان‌دهنده تمایز نشانگرهای یک متغیر پنهان از سایر نشانگرهای دیگر در همان مدل ساختاری است. روایی واگرا زمانی در سطح قابل قبول است که میزان جذر AVE برای هر سازه بیش‌تر از همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر باشد. نتایج بررسی همبستگی سازه‌های تحقیق و جذر AVE نشان می‌دهد، مقادیر قطر اصلی ماتریس (جذر ضرایب AVE هر سازه)، از مقادیر پایین (ضرایب همبستگی بین هر سازه با سازه‌های دیگر) بیش‌تر به دست آمده و این مطلب نشان‌دهنده قابل قبول بودن روایی واگرای سازه‌هاست. همچنین نتایج حاصل از برآورد ضرایب برای ارزیابی بخش ساختاری مدل در جدول (۴) ارائه شده است. در صورتی که مقادیر t از ۱/۹۶ بیشتر باشد بیانگر صحت رابطه بین سازه‌ها و در نتیجه تأیید فرضیه‌های تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. همچنین به منظور بررسی کفایت و کیفیت ابزارهای اندازه‌گیری، مجموع مجذورات خطای پیش‌بینی (SSE) برای هر بلوک متغیر مکنون و $1 - \frac{SSE}{SSO}$ شاخص واریانس اعتبار مشترک ۶۷ را نشان می‌دهد.

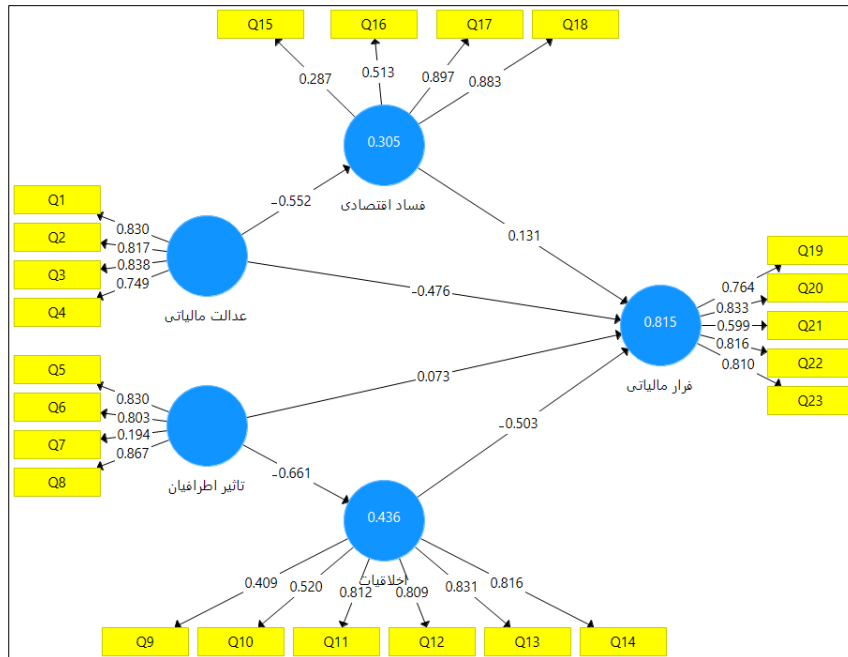
جدول (۳): شاخص واریانس اعتبار اشتراک متغیرهای پنهان

| مجموع | SSO | SSE | ۱-SSE/SSO |
|----------------|-----|--------|-----------|
| فساد اقتصادی | ۳۹۲ | ۲۹۸,۲۶ | ۰,۲۴ |
| عدالت مالیاتی | ۳۹۲ | ۲۴۳,۹۵ | ۰,۳۸ |
| فرار مالیاتی | ۴۹۰ | ۳۴۴,۵۴ | ۰,۳۰ |
| تأثیر اطرافیان | ۵۸۸ | ۴۰۲,۹۷ | ۰,۳۱ |
| اخلاقیات | ۳۹۲ | ۳۱۱,۹۳ | ۰,۲۰ |

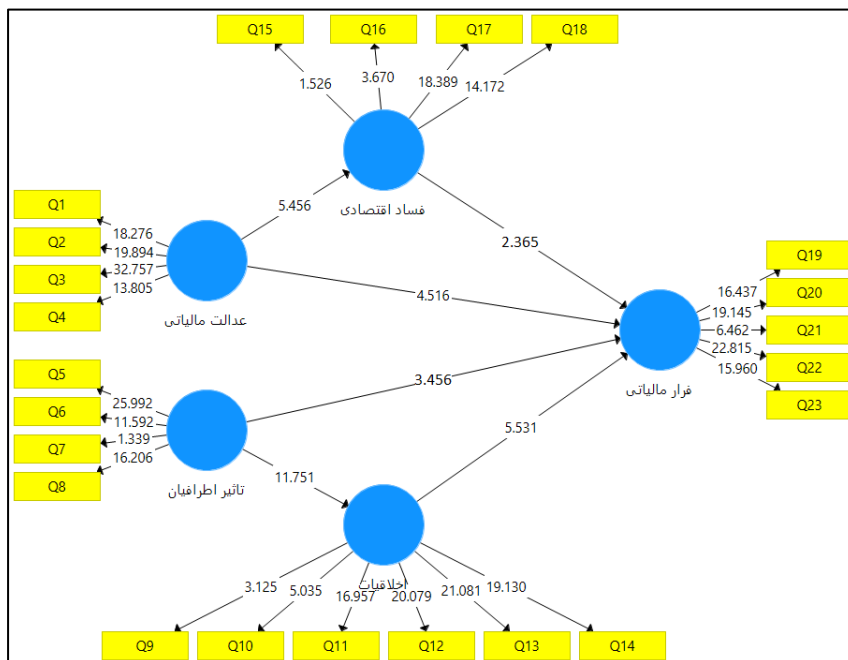
باتوجه به اینکه شاخص واریانس اعتبار مشترک تمامی متغیرهای پنهان مثبت می‌باشد، بنابراین مدل اندازه‌گیری از کیفیت مناسب برخوردار است. در نهایت ضرایب مسیر و معناداری آن‌ها در جدول (۶) ارائه شده است.

^{۶۶} Average Variance Extracted

^{۶۷} CV-Community



شکل (۲). معناداری ضرایب متغیرهای تحقیق



شکل (۳). ضرایب مسیر و بارهای عاملی

باتوجه به موارد فوق، در جدول (۴). ضرایب اثرگذاری متغیرها بر یکدیگر نشان داده شده است.

جدول (۴): نتایج حاصل از برازش مدل

| متغیر تأثیرگذار | جهت | متغیر تأثیرپذیر | ضریب |
|-----------------|-----------|-----------------|---------|
| عدالت مالیاتی | مستقیم | فرار مالیاتی | -۰,۴۷۶ |
| | غیرمستقیم | | -۰,۰۷۲۳ |

| | | | |
|--------|--------------|-----------|----------------|
| -۰,۵۴۸ | | کل | |
| ۰,۰۷۳ | فرار مالیاتی | مستقیم | تأثیر اطرافیان |
| ۰,۳۳۲ | | غیرمستقیم | |
| ۰,۴۰۵ | | کل | |
| ۰,۱۳۱ | فرار مالیاتی | مستقیم | فساد اقتصادی |
| -۰,۵۰۳ | فرار مالیاتی | مستقیم | اخلاقیات |

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده تأثیر عدالت مالیاتی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر فرار مالیاتی منفی و معنادار است. از طرفی تأثیر اطرافیان بر فرار مالیاتی به لحاظ آماری معنی‌دار به‌دست‌آمده است. فساد اقتصادی بر فرار مالیاتی تأثیر مثبت و معنادار دارد و اخلاقیات نیز تأثیر منفی و معنادار دارد. توجیه ضرایب به‌دست‌آمده در بخش بعد ارائه خواهد شد.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

فرار مالیاتی پدیده‌ای جهانی است که در همه جوامع رخ می‌دهد. عوامل بسیاری برای ایجاد فرار مالیاتی معرفی شده‌اند، اما عوامل چهارگانه رفتاری، یعنی فساد، عدالت مالیاتی، اخلاق و تأثیر اطرافیان، به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده اصلی فرار مالیاتی از دیدگاه تأثیر اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند. مطالعات قبلی که به بررسی تأثیر فساد، عدالت، اخلاق، و تأثیر اطرافیان بر فرار مالیاتی پرداخته‌اند، بسیار محدود هستند. از این‌رو، این مقاله مفهومی، مدلی را مورد بررسی قرار داده است که فساد، عدالت مالیاتی، اخلاق و تأثیر اطرافیان را به‌عنوان عوامل پیش‌بینی فرار مالیاتی را در برمی‌گیرد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، تأثیر فساد بر فرار مالیاتی مثبت و معنی‌دار است. در توجیه این ضریب بایستی گفت، اگر مالیات‌دهندگان متوجه شوند که دولت فاسد است و مالیات در بخش‌های صحیح خرج نمی‌شود، احساس بدی پیدا می‌کنند و این به نوبه خود بر رفتار تمکین مالیاتی از سوی ایشان تأثیرگذار است. سطح بالایی از فساد همچنین می‌تواند به‌طورکلی تمایل مالیات‌دهندگان را برای پذیرش و اعتماد به دولت و نیز مطابقت با قوانین مالیاتی را به طور خاص کاهش دهد.

در توجیه تأثیر عدالت مالیاتی بر فرار مالیاتی، بر اساس نتایج تحقیق رابطه منفی و معناداری بین دو متغیر مذکور وجود دارد. در توجیه این ضریب باید گفت مالیات‌دهندگانی که تصور می‌کنند بدهی مالیاتی آن‌ها بیشتر از دیگر مالیات‌دهندگان است، تمایل کمتری برای تمکین از مالیات خواهند داشت. همچنین، به نظر می‌رسد نابرابری در حوزه مالیات ستانی، پیروی از قوانین مالیاتی را تضعیف می‌کند.

تأثیر اخلاقیات بر فرار مالیاتی منفی و معنادار است. فرار مالیاتی پدیده‌ای غیراخلاقی است و بر توزیع ثروت (مزایای عمومی که توسط درآمدهای مالیاتی تأمین مالی می‌شوند) در میان این بخش‌ها تأثیر می‌گذارد، به‌طوری‌که سایر ذی‌نفعان نیز تحت تأثیر چنین عملی قرار می‌گیرند. هنجارهای فردی به استدلالات اخلاقی، اقتدارگرایی، خودپرستی، وابستگی به ارزش‌ها و دیگر ویژگی‌ها مربوط می‌شوند. بین هنجارها، ارزش‌ها و اخلاق مالیاتی فردی همپوشانی قابل‌توجهی وجود دارد؛ هنگامی که استدلال اخلاقی یا اخلاق مالیاتی توسعه‌یافته‌تر باشد، تمکین داوطلبانه مالیاتی به‌احتمال زیاد رخ خواهد داد. تأثیر اطرافیان بر فرار مالیاتی مثبت و معنی‌دار است. مالیات‌دهندگانی که از روابط اجتماعی خود در فعالیت‌های غیرقانونی تأثیر می‌پذیرند، بیشتر احتمال دارد که تمکین مالیاتی نداشته باشند. تأثیر همتایان بخشی از ویژگی‌های فرهنگی گروه‌های خاص، افراد یا ملت‌ها را شکل می‌دهد. در

حوزه مالیات، مالیات‌دهندگان تحت‌تأثیر رفتارهای مالیاتی دیگران قرار می‌گیرند؛ بنابراین، تمایل مالیات‌دهندگان برای پرداخت مالیات به احتمال زیاد زمانی بالا خواهد بود که آن‌ها این باور را داشته باشند که مالیات‌دهندگان دیگر نیز مالیات‌های خود را پرداخت می‌کنند. از این رو، تصمیم‌گیری مالیات‌دهندگان ممکن است توسط افراد یا گروه‌هایی مانند خانواده، همسالان، دوستان و همکاران تحت‌تأثیر قرار گیرد. بر اساس نتایج به دست آمده، مردم زمانی نسبت به پرداخت مالیات رغبت نشان می‌دهند و آن را داوطلبانه می‌پذیرند که نسبت به دستگاه مالیاتی اعتماد داشته باشند و به این باور برسند که مالیات پرداختی آنان در مسیر درست هزینه خواهد شد و در مجموع، وقتی مایل به پرداخت مالیات خواهند بود که به باور مالیاتی رسیده باشند، لذا اعتمادسازی از روش‌های مهم سیستم مالیاتی کشور و دولت می‌باشد و مهم‌ترین روش برای افزایش میزان و درجه باور مالیاتی، عملکرد بهینه دولت خواهد بود. در این راستا اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های جمعی درباره نحوه هزینه مالیات پرداختی مردم، باعث افزایش اعتماد مردم می‌شود؛ لذا دولت باید در برآوردن خواسته‌های مردم و نیز عمل به شعارهای خود تلاش کند و بدیهی است که عدم توجه کافی مردم را دلسرد و آن‌ها را به قانون‌گریزی و عدم تمکین مالیاتی تشویق خواهد نمود.

منابع و مأخذ

۱. احمدی وحیده، شهنازی روح اله، اسلاملویان کریم، صدرایی جواهری احمد. ارزیابی مدل‌های سنجش فرار مالیاتی از اقتصاد نئوکلاسیک تا اقتصاد رفتاری: رهیافت تحلیل سلسله‌مراتبی در اقتصاد ایران. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه ۱۴۰۰؛ ۲۶ (۱): ۱۱۵-۱۴۱
۲. باریکانی، علی، ۱۴۰۰، تحلیل عدم تمکین و پذیرش پرداخت مالیات از سوی مردم، <https://civilica.com/doc/۱۳۴۱۳۰۰>
۳. صامتی، مجید، ایزدی، افسانه؛ فتحی، سعید؛ (۱۴۰۰)، تعیین عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی با استفاده از روش فراتحلیل، اقتصاد باثبات تابستان ۱۴۰۰، دوره دوم - شماره ۳ (۲۲ صفحه - از ۱ تا ۲۲)
۴. محسنی ملکی، بهرام؛ (۱۴۰۰)، عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی با استفاده از تکنیک معادلات ساختاری - نقش تعدیل‌کنندگی دانش مالیاتی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی دوره ۲۸ پاییز ۱۴۰۰ شماره ۳
۵. نمازیان، علی؛ زینلی، حدیث؛ پورحیدری، امید؛ (۱۴۰۰)، بررسی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر فرار مالیاتی و فساد مالیاتی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی پاییز ۱۴۰۰، دوره بیست و هشتم - شماره ۳ رتبه الف وزارت علوم (۲۶) ISC صفحه - از ۵۰۷ تا ۵۳۲

۶. Edwin, E. (۲۰۱۱). Historical and legal background of taxation in Nigerian. Principles of Taxation, ۲(۱), ۲۲۲- ۲۲۵.
۷. Okauru, I. O. (۲۰۱۲). Comprehensive tax history of Nigeria. Ibadan, Nigeria: Safari Books Ltd.
۸. Alkhatib, A. A., Abdul-jabbar, H., & Marimuthu, M. (۲۰۱۸). The effects of deterrence factors on income tax evasion among Palestinian SMEs. International Journal of Academic Research in Accounting, Finance and Management Sciences, ۸(۴), ۱۴۴-۱۵۲.

۹. Torgler, Benno. (۲۰۰۵). Tax morale in Latin America. *Public Choice*, ۱۲۲(۱/۲), ۱۳۳-۱۵۷.
۱۰. Kirchler, E. (۲۰۰۷). *The economic psychology of tax behaviour*. Cambridge, United Kingdom: Cambridge University Press.
۱۱. Alleyne, P., & Harris, T. (۲۰۱۷). Antecedents of taxpayers' intentions to engage in tax evasion: Evidence from Barbados. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, ۱۵(۱), ۲-۲۱.
۱۲. Alm, J, Bloomquist, K. M., & Mckee, M. (۲۰۱۶). When you know your neighbour pays taxes: Information, peer effects, and tax compliance. (Working Paper, No. ۱۶۱۹). Tulane University, USA.
۱۳. Manea, A. C. (۲۰۱۱). Means and methods of preventing and combating tax evasion adopted by Romania and Moldova. *Bulletin of the Transilvania University of Braşov*, ۴(۲), ۱۲۷-۱۳۲.
۱۴. Pirttila, J. (۱۹۹۹). Tax evasion and economies in transition: Lessons from tax theory. (Working Paper, No. ۲). Bank of Finland Institute for Economies In Transition, Helsinki, Finland.
۱۵. Bahl, R. W., & Bird, R. M. (۲۰۰۸). Tax policy in developing countries: Looking back and forward. *National Tax Journal*, ۶۱(۲), ۲۷۹-۳۰۱.
۱۶. Brautigam, D., Fjeldstad, O.-H., & Moore, M. (۲۰۰۸). *Taxation and state-building in developing countries: Capacity and consent*. Cambridge, United Kingdom: Cambridge University Press.
۱۷.] Alm, J., Martinez-Vazquez, J., & McClellan, C. (۲۰۱۶). Corruption and firm tax evasion. *Journal of Economic Behaviour & Organization*, ۱۲۴(۳), ۱۴۶-۱۶۳.
۱۸. AlAdham, M., Abukhadijeh, M. A., & Qasem, M. F. (۲۰۱۶). Tax evasion and tax awareness evidence from Jordan. *International Business Research*, ۹(۱۲), ۶۵-۷۵.
۱۹. Terkper, S. (۲۰۰۳). Managing small and medium-size taxpayers in developing economies. *Tax Notes International*, ۲۹(۲), ۲۱۱-۲۲۹.
۲۰. Al-Ttaffi, L. H. A., & Abdul-Jabbar, H. (۲۰۱۵). A conceptual framework for tax non-compliance studies in a Muslim country: A proposed framework for the case of Yemen. *International Postgraduate Business Journal*, ۷(۲), ۱-۱۶.
۲۱. Alshir'ah, A. F., Abdul-Jabbar, H., & Samsudin, R. S. (۲۰۱۶). Determinants of sales tax compliance in small and medium enterprises in Jordan: A call for empirical research. *World Journal of Management and Behavioral Studies*, ۴(۱), ۴۱-۴۶.

۲۲. Rahhal, A. I. (۲۰۱۷). Effectiveness of Palestinian income tax rates in facing tax evasion. *Global Journal of Engineering Science and Research Management*, ۴(۱), ۸-۱۴.
۲۳. Schneider, F., & Enste, D. (۲۰۰۰). Shadow economies: Size, causes, and consequences. *Journal of Economic Literature*, ۳۸(۱), ۷۷-۱۱۴.
۲۴. Fallah, B. (۲۰۱۴). The pros and cons of formalizing informal MSES in the Palestinian economy. (Working Paper, No. ۸۹۳). The Economic Research Forum, Palestine.
۲۵. Jaber, F., & Al-Riyahi, I. (۲۰۱۴). Comparative study: Tax systems in six Arab countries. Beirut, Lebanon: Arab NGO Network for Development.
۲۶. Coalition for Accountability and Integrity. (۲۰۱۸, April ۲۳). USD ۵۰۰ million losses of tax evasion in Palestine (in Arabic). Life Press. Retrieved from <http://www.hayatweb.com/breaking/۱۴۳۱۰۶>
۲۷. Jaber, F. (۲۰۱۸, February ۱). The Palestinian budget loses USA ۶۰۰ million annually due to tax evasion (in Arabic). Ramallah News. Retrieved from <https://ramallah.news/post/۹۸۹۱۴/-> الفلستینیة - خسائر - بقيمة - ۶۰۰ مليون دولار سنويا
۲۸. Elkhafif, M., Misyef, M., & Elagraa, M. (۲۰۱۴). Palestinian fiscal revenue leakage to Israel under the Paris Protocol on economic relations. Paper presented at the United Nations Conference on Trade and Development, New York, USA.
۲۹. Riahi-Belkaoui, A. (۲۰۰۴). Relationship between tax compliance internationally and selected determinants of tax morale. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, ۱۳(۲), ۱۳۵-۱۴۳.
۳۰. Alkhatib, A, A., & Abdul-Jabbar, H. (۲۰۱۷). An Economic Framework for Tax Evasion in Palestine. *American-Eurasian Journal of Scientific Research*, ۱۲(۶), ۳۰۰-۳۰۴.
۳۱. Abuamria, F. (۲۰۱۹). The Effect of Deterrence Factors on Discourage Shadow Economy Level and Tax Evasion. *International Journal of Academic Research in Accounting, Finance and Management Sciences*, ۹(۱), ۶۲-۶۷.
۳۲. Alshrouf, M. (۲۰۱۹). The effect of tax audit using the computer on tax non-compliance in Palestine. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, ۹(۳), ۲۹۶-۳۰۴.
۳۳. Qubbaja, A., & Omar, S. A. (۲۰۱۹). The impact of political events on Palestine securities exchange returns: An empirical study between (۱۹۹۷-۲۰۱۶). *International Journal of Academic Research in Accounting, Finance and Management Sciences*, ۹(۳), ۲۸۷-۲۹۴.

۳۴. Khlif, H., & Achek, I. (۲۰۱۵). The determinants of tax evasion: A literature review. *International Journal of Law and Management*, ۵۷(۵), ۴۸۶-۴۹۷.
۳۵. Jackson, B. R., & Milliron, V. C. (۱۹۸۶). Tax compliance research: Findings, problems, and prospects. *Journal of Accounting Literature*, ۵(۱), ۱۲۵-۱۶۵.
۳۶. Richardson, M., & Sawyer, A. (۲۰۰۱). A taxonomy of the tax compliance literature: Further findings, problems and prospects. *Australian Tax Forum*, ۱۶(۲), ۱۳۷-۳۲۰.
۳۷. Alm, J., & Torgler, B. (۲۰۱۱). Do ethics matter? Tax compliance and morality. *Journal of Business Ethics*, ۱۰۱(۴), ۶۳۵-۶۵۱.
۳۸. Benk, S., McGee, R. W., & Yüzbaşı, B. (۲۰۱۵). How religions affect attitudes toward ethics of tax evasion? A comparative and demographic analysis. *Journal for the Study of Religions and Ideologies*, ۱۴(۴۱), ۲۰۲-۲۲۳.
۳۹. Kirchler, E., Hoelzl, E., & Wahl, I. (۲۰۰۸). Enforced versus voluntary tax compliance: The "slippery slope" framework. *Journal of Economic Psychology*, ۲۹(۲), ۲۱۰-۲۲۵.
۴۰. Andreoni, J., Erard, B., & Feinstein, J. (۱۹۹۸). Tax compliance. *Journal of Economic Literature*, ۳۶(۲), ۸۱۸- ۸۶۰.
۴۱. McClellan, C. (۲۰۱۳). The consequences of poor tax administration: Collections, growth, and evasion. (Unpublished doctoral dissertation). Georgia State University, Georgia, USA.
۴۲. Carvalho, H. C., Santos, J. R. dos, Martins, M. R., Franco, E., & Mazzon, J. A. (۲۰۱۶). Going with the flow: Corruption in tax agencies. Paper presented at the ۳۴th International Conference of the System Dynamics Society, Brazil.
۴۳. Alabede, J. O. (۲۰۱۲). An investigation of factors influencing taxpayers' compliance behaviour: Evidence from Nigeria. (Unpublished doctoral dissertation). Universiti Utara Malaysia, Sintok, Malaysia. Shleifer, A., & Vishny, R. W. (۱۹۹۳). Corruption. *The Quarterly Journal of Economics*, ۱۰۸(۳), ۵۹۹-۶۱۷. Torgler, B. (۲۰۰۳). Tax morale in transition countries. *Post-Communist Economies*, ۱۵(۳), ۳۵۷-۳۸۱. Torgler, B., & Schneider, F. (۲۰۰۷). Shadow economy, tax morale, governance and institutional quality: A panel analysis. (Working Paper, No. ۰۷۰۱). Department of Economics, Johannes Kepler University of Linz, Austria.
۴۴. Uslaner, E. M. (۲۰۱۰). Tax evasion, corruption, and the social contract in transition. In *Developing alternative frameworks for explaining tax compliance*. London, United Kingdom: Routledge.

۴۵. Picur, R. D., & Riahi-Belkaoui, A. (۲۰۰۶). The impact of bureaucracy, corruption and tax compliance. *Review of Accounting and Finance*, ۵(۲), ۱۷۴-۱۸۰.
۴۶. Chander, P., & Wilde, L. (۱۹۹۲). Corruption in tax administration. *Journal of Public Economics*, ۴۹(۳), ۳۳۳-۳۴۹.
۴۷. Graetz, M. J., Reinganum, J. F., & Wilde, L. L. (۱۹۸۶). The tax compliance game: Toward an interactive theory of law enforcement. *Journal of Law, Economics & Organization*, ۲(۱), ۱-۳۲.
۴۸. Bilotkach, V. (۲۰۰۶). A tax evasion-bribery game: Experimental evidence from Ukraine. *European Journal of Comparative Economics*, ۳(۱), ۳۱-۴۹.
۴۹. McGee, R.W., & Maranjyan, T. B. (۲۰۰۶). Tax evasion in Armenia: An empirical study. Presented at the Fourth Annual Armenian International Policy Research Group Conference, Washington, USA.
۵۰. Rahmani, T., & Fallahi, M. A. (۲۰۱۲). Corruption, democracy and tax compliance: Cross-country evidence. *The Business & Management Review*, ۲(۲), ۲۲۱-۲۳۰.
۵۱. Ayuba, A., Saad, N., & Ariffin, Z. Z. (۲۰۱۶). Does perceived corruption moderate the relationship between economic factors and tax compliance? A proposed framework for Nigerian small and medium enterprises. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, ۷(۱), ۴۰۲-۴۰۹.
۵۲. Poco, M., Lopes, C., & Silva, A. (۲۰۱۵). Perception of tax evasion and tax fraud in Portugal: A sociological study. (Working Paper, No. ۳۹). OBEGEF - Observatory of Economics and Fraud Management, Portuguese.
۵۳. Akdede, S. (۲۰۰۶). Corruption and tax evasion. *Dogus University Journal*, ۷(۲), ۱۴۱-۱۴۹.
۵۴. Imam, P. A., & Jacobs, D. (۲۰۱۴). Effect of corruption on tax revenues in the Middle East. *Review of Middle East Economics and Finance*, ۱۰(۱), ۱-۲۴.
۵۵. Khlif, H., Guidara, A., & Hussainey, K. (۲۰۱۶). Sustainability level, corruption and tax evasion: A cross-country analysis. *Journal of Financial Crime*, ۲۳(۲), ۳۲۸-۳۴۸.
۵۶. Farrar, J., Kaplan, S. E., & Thorne, L. (۲۰۱۷). The effect of interactional fairness and detection on Taxpayers' compliance intentions. *Journal of Business Ethics*, ۱۴۷(۷۰۷), ۱-۱۴.
۵۷. Wenzel, M. (۲۰۰۲). The impact of outcome orientation and justice concerns on tax compliance: The role of taxpayers' identity. *Journal of Applied Psychology*, ۸۷(۴), ۶۲۹-۶۴۵.

۵۷. Kinsey, K. A., Grasmick, H. G., & Smith, K. W. (۱۹۹۱). Framing justice: Taxpayer evaluations of personal tax burdens. *Law & Society Review*, ۲۵(۴), ۸۴۵-۸۷۴.
۵۸. Moser, D. V, Evans III, J. H., & Kim, C. K. (۱۹۹۵). The effects of horizontal and exchange inequity on tax reporting decisions. *The Accounting Review*, ۷۰(۴), ۶۱۹-۶۳۴.
۵۹. Puspita, A. F., Subroto, B., & Baridwan, Z. (۲۰۱۶). The analysis of individual behaviour of corporate
۶۰. taxpayers obedience: Tax compliance model (study of hotels in Malang and Batu). *Review of Integrative Business and Economics Research*, ۵(۳), ۱۳۵-۱۶۰.
۶۱. Chau, G., & Leung, P. (۲۰۰۹). A critical review of Fischer tax compliance model: A research synthesis. *Journal of Accounting and Taxation*, ۱(۲), ۳۴-۴۰.
۶۲. Wenzel, M. (۲۰۰۶). A letter from the tax office: Compliance effects of informational and interpersonal justice. *Social Justice Research*, ۱۹(۳), ۳۴۵-۳۶۴.
۶۳. Richardson, G. (۲۰۰۶). Determinants of tax evasion: A cross-country investigation. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, ۱۵(۲), ۱۵۰-۱۶۹.
۶۴. Fischer, C., Wartick, M., & Mark, M. (۱۹۹۲). Detection probability and taxpayer compliance: A review of the literature. *Journal of Accounting Literature*, ۱۱(۱), ۱-۴۶.
۶۵. Porcano, T. M. (۱۹۸۸). Correlates of tax evasion. *Journal of Economic Psychology*, ۹(۱), ۴۷-۶۷.
۶۶. Faizal, S. M., & Palil, M. R. (۲۰۱۵). Study on fairness and individual tax compliance in Malaysia: Preliminary findings. *International Journal of Business, Economics and Law*, ۸(۱), ۷۴-۷۹.
۶۷. Saad, N. (۲۰۰۹). Fairness perceptions and compliance behaviour: The case of salaried taxpayers in Malaysia after implementation of the self-assessment system. *EJournal of Tax Research*, ۸(۱), ۳۲-۶۳.
۶۸. Al Zeer, I., Alkhatib, A. A., & Alshrouf, M. (۲۰۱۹). Determinants of Organisational Commitment of Universities' Employees. *International Journal of Academic Research in Accounting, Finance and Management Sciences*, ۹(۱), ۱۳۶-۱۴۱.
۶۹. Iserson, K. V. (۱۹۹۹). Principles of biomedical ethics. *Emergency Medicine Clinics*, ۱۷(۲), ۲۸۳-۳۰۶.

۷۰. Cummings, R. G., Martinez-Vazquez, J., McKee, M., & Torgler, B. (۲۰۰۹). Tax morale affects tax compliance: Evidence from surveys and an artefactual field experiment. *Journal of Economic Behavior and Organization*, ۷۰(۳), ۴۴۷-۴۵۷.
۷۱. Frey, B. S., & Torgler, B. (۲۰۰۷). Tax morale and conditional cooperation. *Journal of Comparative Economics*, ۳۵(۱), ۱۳۶-۱۵۹.
۷۲. Torgler, B., & Schneider, F. (۲۰۰۹). The impact of tax morale and institutional quality on the shadow economy. *Journal of Economic Psychology*, ۳۰(۲), ۲۲۸-۲۴۵.
۷۳. Ho, D., & Wong, B. (۲۰۰۸). Issues on compliance and ethics in taxation: What do we know? *Journal of Financial Crime*, ۱۵(۴), ۳۶۹-۳۸۲.
۷۴. Hogan, R. (۱۹۷۳). Moral conduct and moral character: A psychological perspective. *American Psychological Association*, ۷۹(۴), ۲۱۷-۲۳۲.
۷۵. McGee, Robert W., Benk, S., Yıldırım, H., & Kayıkçı, M. (۲۰۱۱). The ethics of tax evasion: A study of Turkish tax practitioner opinion. *European Journal of Social Sciences*, ۱۸(۳), ۴۶۸-۴۸۰.
۷۶. Blumenthal, M., & Christian, C. (۲۰۰۱). Do normative appeals affect tax compliance? evidence from a controlled experiment in Minnesota. *National Tax Journal*, ۵۴(۱), ۱۲۵-۱۳۸.
۷۷. Fellner, G., Sausgruber, R., & Traxler, C. (۲۰۱۳). Testing enforcement strategies in the field: Threat, moral appeal and social information. *Journal of the European Economic Association*, ۱۱(۳), ۶۳۴-۶۶۰.
۷۸. Ariel, B. (۲۰۱۲). Deterrence and moral persuasion effects on corporate tax compliance: Findings from a randomized controlled trial. *American Society of Criminology*, ۵۰(۱), ۲۷-۶۹.
۷۹. Slehat, Y. A. (۲۰۰۹). The tendency toward tax evasion in Jordan. (Unpublished Doctoral dissertation). Universiti Utara Malaysia, Sintok, Malaysia.
۸۰. Chan, C. W., Troutman, C. S., & O'Bryan, D. (۲۰۰۰). An expanded model of taxpayer compliance: Empirical evidence from the United States and Hong Kong. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, ۹(۲), ۸۳-۱۰۳.
۸۱. Scholz, J. T., McGraw, K. M., & Steenbergen, M. R. (۱۹۹۲). Will taxpayers ever like taxes? Responses to the U.S. tax reform Act of ۱۹۸۶. *Journal of Economic Psychology*, ۱۳(۴), ۶۲۵-۶۵۶.

۸۲. Sutinen, J. G., & Kuperan, K. (۱۹۹۹). A socio-economic theory of regulatory compliance. *International Journal of Social Economics*, ۲۶(۱/۲/۳), ۱۷۴-۱۹۳.
۸۳. Crisp, R. J., & Turner, R. N. (۲۰۰۷). *Essential social psychology*. London, United Kingdom: SAGE Publication.
۸۴. Gino, F., Ayal, S., & Ariely, D. (۲۰۰۹). Contagion and differentiation in unethical behavior: The effect of one bad apple on the barrel. *Psychological Science*, ۲۰(۳), ۳۹۳-۳۹۸.
۸۵. Traxler, C. (۲۰۱۰). Social norms and conditional cooperative taxpayers. *European Journal of Political Economy*, ۲۶(۱), ۸۹-۱۰۳.
۸۶. Çevik, S., & Yeniçeri, H. (۲۰۱۳). The relationship between social norms and tax compliance: The moderating role of the effectiveness of tax administration. *International Journal of Economic Sciences*, ۲(۳), ۱۶۶-۱۸۰.
۸۷. Tsakumis, G. T., Curatola, A. P., & Porcano, T. M. (۲۰۰۷). The relation between national cultural dimensions and tax evasion. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, ۱۶(۲), ۱۳۱-۱۴۷.
۸۸. Palil, M., Zain, N., & Faizal, S. (۲۰۱۲). Political affiliation and tax compliance in Malaysia. *Humanities and Social Sciences Review*, ۱(۴), ۳۹۵-۴۰۲.